

یک پیشنهاد برای برون‌رفت

اتحاد "بانک و مالیات"

کاهش نرخ مالیات و افزایش همزمان نرخ‌های بهره می‌توانند به‌عنوان یک پیشنهاد برای ثبات نرخ تورم، کاهش فرار سرمایه و تقویت ارزش پول ملی مطرح باشند.

براساس برآورد هیأت چشم‌انداز ماهنامه، معادل ۲۹/۷۶ درصد بوده که در همین بازه، نرخ برابری ریال به دلار معادل ۹/۲۴ درصد رشد داشته است.

در راستای آسیب‌شناسی معضل مذکور، سیاست غلط پولی نمودن بدهی‌های دولتی را می‌توان مهمترین عامل این امر دانست، چراکه رشد چاپ پول جهت جبران کسری بودجه - که بر اساس گزارش کارشناسان ماهنامه، تنها طی ۴ سال گذشته ۸۹/۰۸ درصد افزایش داشته - تأثیر بسزایی در گسترش تورم و به تبع آن کاهش ارزش پول ملی داشته است.

از آنجا که رشد نرخ ارز، خود عاملی است که به افزایش ارزش صادرات می‌انجامد، این سؤال پیش می‌آید که تقویت ارزش ریال اهمیت بیشتری دارد یا تشویق صادرکنندگان؟

قبل از ادامه بحث باید به این نکته اشاره کرد که کاهش ارزش پول و یا همان رشد نرخ ارز، تنها زمانی مثمر ثمر خواهد بود که اقتصاد کشور از ظرفیت‌های بالقوه آماده به تولید برخوردار باشد که متأسفانه در اقتصاد ایران با این وضعیت رویه‌رو نیستیم. لذا در راستای اتخاذ سیاستی که به تقویت ارزش ریال بی‌انجامد - به گونه‌ای که صادرکنندگان نیز متضرر نگردند - دولت می‌تواند از طریق بکارگیری سیاست جدید "بانک و مالیات" - که اجرای همزمان دو سیاست کاهش نرخ مالیات تولیدی و افزایش نرخ بهره بانکی است - به کاهش توأمان مالیات (از طریق بخشودگی‌های مالیاتی) و افزایش نرخ بهره بانکی دست بزند و از این طریق بتواند این مشکل را مرتفع نماید. مکانیزم اجرای سیاست مذکور به این صورت است که با کاهش مالیات، شاهد رشد تولید

در اقتصاد پرتکاپوی بین‌الملل امروز، برخورداری از پول قدرتمند از مسایلی است که تأثیر بسزایی بر قدرت اقتصادی هر کشور دارد. تأثیرپذیری و البته تأثیرگذاری متغیرهای کلان اقتصاد نظیر رشد، تورم و اشتغال، نمونه‌های مهمی از این مسأله هستند، به طوری که با افزایش تورم، قیمت کالای داخلی در رقابت با رقیب خارجی - به دلیل رشد هزینه‌های تولید - افزایش می‌یابد که این امر به صورت غیرمستقیم با تأثیر منفی خود بر درآمدهای صادراتی، باعث کاهش تزیق ارز به جامعه و در نتیجه، تنزل ارزش پول ملی خواهد شد. علاوه بر معضل فوق، به دلیل آن که کشورمان طی سالیان گذشته گهگاهی درگیر مسأله رکود تورمی بوده است، به طور حتم با کاهش تولید، شدت رکود تورمی در کشور بیش از پیش افزایش یافته و دولت برای مقابله با این مشکل و در جهت جبران فشار تورمی حاصل از آن، بالاجبار به سیاست افزایش واردات روی می‌آورد که ماحصل این مکانیزم به کاهش مجدد ارزش پول ملی - به صورتی غیر مستقیم - خواهد انجامید که البته در سال‌های اخیر کم‌وبیش شاهد آن بوده‌ایم.

همچنین با افزایش تورم، به طور کاملاً طبیعی قدرت خرید ریال نیز کاهش می‌یابد که باعث توجیه‌پذیری بیشتر واردات و افزایش حاشیه سود واردکنندگان خواهد شد. این امر به نوبه خود منجر به افزایش تقاضای ارز و در نتیجه رشد نرخ ارز در بازار می‌شود. در نتیجه این فرآیند، ریال بیشتری برای خرید ارز پرداخت خواهد شد که این می‌تواند به صورت تسلسلی عمل کند. در این راستا، براساس گزارش واحد تحقیقات «اقتصاد ایران»، میانگین رشد تورم در کشور در سال‌های ۸۳ تا ۸۷

که کشورهای مذکور، پس از اتخاذ سیاست‌های نوین در اقتصاد و صنعت، در نهایت مشکلات پایه‌ای اقتصاد خود را مرتفع نمودند و برای تغییر کل نظام اقتصادی بیمار خود، واحد پولیشان را با حذف صفر تغییر دادند، در حالی که کشور ما در حال حاضر به دلایل بسیار روشن کوچک و بزرگ، همچنان با مسأله رکود تورمی دست و پنجه نرم می‌کند که عدم چاره‌اندیشی برای آن و صرف حذف پول از اقتصاد ملی، هیچ‌گاه درمانی برای درد تورم اقتصاد ایران نخواهد بود. علاوه بر این، همواره در اقتصاد ایران - چه قبل و چه بعد از انقلاب - بودجه بر پایه واحد ریال طراحی و تدوین شده که تعویض آن به واحدی جدید، به طور حتم اختلالات بسیار زیادی در کوتاه‌مدت در حسابداری ملی به وجود خواهد آورد. اما یکی از مسایلی که در جهت حذف و یا عدم حذف صفر از پول ملی باید به آن توجه کرد مسأله توانایی پول ملی در مبادلات رایج کشور است. در واقع، زمانی می‌توان به حذف صفر اقدام نمود که به دلیل وقوع تورم مثلاً ۳ رقمی (Hyper Inflation)، پول ملی توانایی پاسخ‌گویی به مبادلات اقتصادی را نداشته باشد که در این صورت، معمولاً مردم به دلیل تنزل شدید ارزش پول ملی از یک ارز بین‌المللی در مبادلات خود استفاده می‌کنند که خوشبختانه شاهد این وضع در ایران نیستیم.

در پایان باید به این نکته اشاره کرد که پس از برقراری واحد پولی جدید، احتمال وقوع یک شوک صوری روانی به اقتصاد کشور وجود دارد. این اتفاق، زمانی روی می‌دهد که افراد جامعه به تغییرات پولی رخ داده صرفاً به صورت عددی نگاه کنند نه نسبی، چرا که با حذف صفر و در واقع تغییر واحد پولی، قیمت کالاها از لحاظ عددی تغییر خواهند کرد، در حالی که تمام قیمت‌ها و همچنین دستمزدها به صورت نسبی هیچ تغییری نکرده‌اند. بنابراین نه می‌توان وقوع این توهم روانی را نادیده گرفت و نه می‌توان آن را حتمی دانست، اما در صورت بروز این پدیده، یک شوک صوری به اقتصاد کشور تزریق خواهد شد که البته در مدت کوتاهی این اثر از بین خواهد رفت. ■

برخی متغیرهای مرتبط با نرخ ارز

سال	تورم (درصد)	رشد واردات (درصد)	نرخ ارز (ریال)	تراز سرمایه (میلیون دلار)	رشد صادرات غیرنفتی (درصد)	بدهی خارجی (میلیون دلار)	رشد اقتصادی (درصد)	رشد نقدینگی (درصد)
۸۲	۱۸/۳	۳۴/۱۵	۸,۳۲۳	۴,۴۷۴	۲۵/۹۰	۱۷,۰۲۴	۷/۸	۲۶/۱۲
۸۳	۱۹/۵	۲۹/۲۲	۸,۷۴۷	۷,۳۸۸	۱۳/۶۰	۲۳,۰۷۳	۶/۴	۳۰/۲۱
۸۴	۱۹/۳	۱۲/۷۹	۹,۰۴۲	-۱۸۴	۴۰/۰۰	۲۴,۲۶۴	۶/۹	۳۴/۳۲
۸۵	۲۰/۵	۱۶/۱۰	۹,۲۲۶	-۴,۳۸۳	۳۳/۲۰	۲۳,۵۱۴	۶/۶	۳۹/۴۳
۸۶	۲۲/۱	۱۶/۴۳	۹,۳۵۸	-۱۴,۱۶۵	۱۴/۶۰	۲۸,۶۴۷	۶/۷	۲۷/۷۳
۸۷	۲۷/۲	۱۷/۶۷	۹,۶۷۷	-۹,۵۹۶	۱۶/۲۰	۲۱,۵۰۲	۲/۵	۱۵/۹۰
۸۸*	۱۹/۸	-۲۱/۱۲	۱۰,۰۸۷	-۱۲,۰۶۷	-۱۴/۲۰	۲۲,۴۱۵	۱/۹	۱۳/۴۰

* آمارهای سال ۸۸ پیش‌بینی واحد تحقیقات «اقتصاد ایران» است. منبع: واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»



خواهیم بود. البته به دلیل افزایش قدرت خرید خانوار، امکان افزایش تورم ناچیز در جامعه (با کنترل مناسب نقدینگی) به دلیل گسترش سطح تقاضا وجود دارد، اما با اتخاذ سیاست همزمان افزایش نرخ بهره، مازاد نقدینگی مردم توسط سیستم بانکی جذب خواهد شد و تولید مازاد - در صورت آماده بودن شرایط تجاری بین‌المللی کشور - به بازارهای جهانی صادر می‌شود و از این طریق، به دلیل ثبات تورم در کنار رشد صادرات، به تقویت ارزش ریال کمک می‌شود. از طرف دیگر، با افزایش نرخ بهره، تمایل به فرار به ارزهای خارجی کاهش یافته که خود عامل مضاعفی برای تقویت پول ملی می‌باشد.

بازار در انتظار کارت‌های اعتباری

معمای چک پول

البته در شرایط رکودی فعلی دولت می‌تواند - به طور موقت - به واحدهای تولیدی یارانه بهره از محل بودجه پردازد.

در حال حاضر، براساس گزارش «اقتصاد ایران»، صادرات غیر نفتی کشور از رقم ۷/۵۳ میلیارد دلار در سال ۸۳ به ۱۸/۱۴ میلیارد دلار در سال ۸۷ رسیده که پیش‌بینی می‌شود با کاهش ۱۳ درصدی به ۱۶ میلیارد دلار در پایان سال جاری برسد. لذا به‌طور حتم روند کنونی تأثیر مثبت و به‌سزایی بر صادرات غیر نفتی کشور نخواهد گذاشت، اما امید است با سیاست جدید بانک و مالیات با تعادل نرخ بهره بانکی و تورم - و با تنازل فرار سرمایه‌ها - این مهم بهبود یابد. ■

سهیمه‌بندی اعتباری (Directed Credit) خلاصه می‌شود که چون عوامل بازار (عرضه و تقاضا) را در بر نمی‌گیرد، نامؤثر بوده و در واقع جزو بانکداری مرکزی نوین محسوب نمی‌شود. از سوی دیگر، رؤسای کل بانک مرکزی در ایران (و زیرمجموعه وی) توان مصون‌سازی دلارهای نفتی را ندارند و همیشه با افزایش درآمد نفت شاهد افزایش ریال در جامعه و لذا تورم در کشورمان بوده‌ایم.

تنزل سپرده‌گذاری

بنابر گزارش بانک مرکزی، سیاست بانکداری ایران در سال ۸۸ نسبت به سال ۸۷ در رابطه با سپرده‌های بانکی با تغییراتی چند روبه‌رو شد که عمده آن به تغییرات سپرده‌های دیداری و غیردیداری برمی‌گردد. براین اساس، نرخ ذخیره قانونی سپرده‌های دیداری در سال ۸۸ با ۳ واحد درصد کاهش به ۱۷ درصد تنزل یافته و این نرخ در مورد سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت و یک ساله، هر کدام با یک واحد درصد کاهش به ترتیب به ارقام ۱۶ و ۱۵ درصد تنزل یافته‌اند. همچنین نرخ ذخیره‌های قانونی سپرده‌های بلندمدت سرمایه‌گذاری نیز از ۱۵، ۱۳ و ۱۱ درصد به ارقام ۱۳، ۱۲ و ۱۰ درصد کاهش یافته‌اند. اما این کاهش صورت گرفته در حالی اتفاق افتاده است که در چند سال گذشته به دلیل کاهش شدید نرخ بهره بانکی، عملاً شاهد کاهش نرخ مذکور در سپرده‌های دیداری و غیردیداری در نظام بانکی کشور بوده‌ایم. همین امر، عامل مؤثری بود که در رکود هرچه بیشتر نظام وام‌دهی و وام‌گیری بانکی و به تبع آن کاهش تولیدات جامعه، نقش منفی گسترده‌ای ایفا نماید.

نکته با اهمیتی که در این میان وجود دارد، نظام خودتعدیلی نرخ ارز است که متأسفانه راه تنظیم آن در ایران بسته شده است، چراکه همین کاهش ارزش ریال، خود مشوقی بود برای صادرکنندگان کشور که در جهت ارزآوری و در نتیجه - به خاطر اختلاف رشدیافته مابین ریال و دلار - کسب سود بالاتر، اقدام به گسترش صادرات خود نمایند که متأسفانه به دلیل تثبیت نرخ ارز در کشور - که همواره مورد انتقاد کارشناسان اقتصادی قرار گرفته است - این مکانیزم خودتعدیلی بازار ارز و صادرات کشور، هیچ‌گاه نتوانسته به سازوکار خود و البته وضعیت ارزی کشور سامان بخشد.

اوراق مشارکت

یکی دیگر از مکانیزم‌هایی که می‌تواند تأثیر شگرفی بر ارزش پول ملی داشته باشد، انتشار اوراق مشارکت در جامعه است که البته بنا بر مباحث قانونی بانکداری کشور دارای نکات منفی و مثبتی است که بررسی آن اهمیت دارد. در قانون اوراق مشارکت ذکر شده است که بانک مرکزی، شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها در چارچوب قوانین و مقررات بانکی، مجاز به انتشار

دلیل اصلی ترویج چک پول در بازارهایمان، توسعه نیافتگی نظام کارت‌های اعتباری کشور است.

سیاست‌های بانک مرکزی

همان‌گونه که اشاره شد، یکی از مسائلی که تأثیر شگرفی بر ارزش پولی هر کشور دارد، سیاست‌های اتخاذ



شده و البته اجرایی بانکداری مرکزی بر مسایل پولی آن جامعه است. متأسفانه با عنایت به قانون بانکداری کشورمان، بانک مرکزی ایران ابزار مدرن و گوناگونی در قبال اجرای سیاست‌های خود در بانکداری مرکزی کشور ندارد. با این وجود، آن طور که از سیاست‌های اتخاذ شده بانک مرکزی در سال‌های اخیر استنباط می‌شود، گستره عملیات بانکداری مرکزی در ایران بیشتر بر پایه و حوزه تغییر نرخ ذخیره قانونی سپرده بانک‌ها گردش دارد که البته هر از گاهی نیز شاهد عملیات بازار باز - به صورتی بسیار محدود با اوراق مشارکت منتشره خود - و تغییر نرخ تنزیل مجدد بوده‌ایم. ولی بانکداری مرکزی در کشورمان عمدتاً در

در کشورمان همچون بسیاری از کشورهای دنیا، با رشد نظام بانکداری و مالی داخلی و بین‌المللی، صور گوناگونی از پول قابل مبادله رایج یافته که چک پول‌های اعتباری نمونه‌ای از این مقوله به شمار می‌آیند. یکی از مسائلی که در این زمینه اهمیت دارد، نقش و تأثیرگذاری پول‌های اعتباری در نرخ تورم و ارزش پول ملی است. در این بین، چاپ چک پول‌های اعتباری و همچنین ایران چک که در حال حاضر به صورت یکی از انواع رایج پولی جامعه شناخته می‌شوند، سبب رشد نقدینگی و همچنین به خاطر راحتی بیشتر در انجام مبادله و در نتیجه افزایش دست به دست شدن نقدینگی، سبب افزایش سرعت گردش نقدینگی

می‌شود که هر دو عامل - از آنجا که در کشور ما معادل پول منتشره در جامعه، تولید صورت نمی‌گیرد - به رشد تورم داخلی دامن می‌زنند. همچنین با توجه به این که رشد تورم، رابطه مستقیمی با کاهش ارزش پولی جامعه دارد، بدین وسیله شاهد کاهش ارزش ریال خواهیم بود، اما به دلیل آن که امروزه راحتی در مبادلات روزمره اهمیت بیشتری در مقایسه با ارزش داخلی پول پیدا کرده است، نمی‌توان روند چاپ پول‌های اعتباری را متوقف نمود. همچنین علاوه بر این، به دلیل آن که بانک مرکزی با اعمال سیاست‌های پولی به صورت بالقوه قادر به حفظ و تثبیت وضعیت ارزش پول ملی است، می‌باید در شرایط فعلی پولی کشور، آنها را مورد بررسی قرار داد.